خبر سازان

ادبیات معاصر چک از چاپک تا امروز

• **گروه هنر:** علاقه‌منـدان به ادبیات چک در ایران با بیشـتر نویسندگان معاصر چک آشـنایی دارند و آثار کسـانی چون کارل چاپک، یاروسلاو هاشک، فرانتس کافکا، میلان کوندرا، بهومیل هرابال، ایوان اولبراخت و ایـوان کلیما را خوانده‌اند. بیشـتر آثار نویسـندگان مهم چک به فارسـی ترجمه شـده اسـت، اما شعر چک چندان به فارسـی ترجمه نشده و شاعران چک در ایران ناشـناخته‌اند. مرکز فرهنگی شهر کتاب «پل ادبی ایران و چک» را تشکیل داده و قرار است به‌طور پیوسـته نشسـت‌هایی در ایران و چک برای معرفی ادبیات معاصر دو کشور برگزار شود. نشست ویژه شهر کتاب، یکشنبه اول بهمن ساعت ۱۶ به بررسی «ادبیات معاصر چک، از چاپک تا امروز» اختصاص دارد که با حضور مونیکا روژیچکوا و زهرا ابوالحسـنی در مرکز فرهنگی شهر کتاب بخارست برگزار می شود.

نمایشگاه نقاشی شاگردان برگزیده فیروزه گل‌محمدی

• روز جمعه، بیست‌ونهم دی، در گالری نقش جهان، واقع در فرمانیه، نمایشگاه آثار شاگردان برگزیـده فیـروزه گل‌محمدی برگزار شـد. در این نمایشـگاه ۱۰ نفر در سـنین و تکنیک‌های متفاوت شرکت کردند. نیمی از هنرمندان این نمایشگاه نوجوانانی هستند که از سنین اول ابتدایی کلاس‌های نقاشی خود را با فیروزه گل‌محمدی شروع کرده‌اند و اکنون چندمین نمایشـگاه خود را برگزار می‌کنند. این نمایشگاه تا چهارم بهمن ادامه دارد.

اعلام بزرگداشت‌های جشنواره تئاتر فجر

• در سی‌وششمین جشـنواره بین‌المللی تئاتر فجر برای احمد داموند، هوشنگ آزادی‌ور و جمشید خانیان بزرگداشـتی برگزار می‌شـود. در سی‌وششمین دوره برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، برای سه نفر از پیش‌کسـوتان این حوزه مراسم تقدیر و بزرگداشتی برگـزار خواهد شـد.در کاتالوگ این جشـنواره که در اولین روز جشنواره به چاپ رسید و توزیع شد، نام سه هنرمند تئاتری که قرار است مراسم بزرگداشتی برای آنها در اختتامیه برگزار شود مشخص شده است.

درخواست مهندس‌پور، دبیر جشنواره تئاتر فجر و پیام علی رفیعی به جشنواره:

گفت‌وگوی هنرمند با جامعه

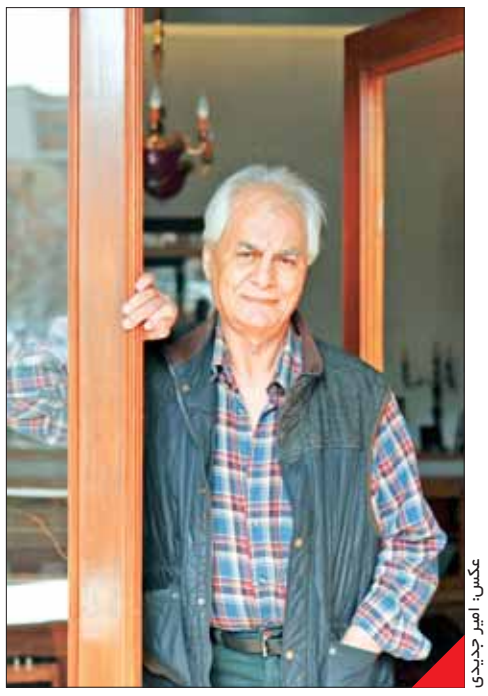

عکس: امیر جدیدی

عکس: رؤفه رستمی، شرق

گروه هنـر: فرهـاد مهندس‌پـور، دبیر سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، از دکتر علی رفیعی خواسـته بود که پیامی برای آغاز این دوره از جشنواره بنویسد. رفیعی نیز متنی را به این منظور منتشـر کرد و این‌گونه بود که یک اتفاق ناب برخلاف دوره‌های گذشـته به وقوع پیوست.

مهندس‌پـور دربـاره این خواسـته نوشـت: بهترین کسـان بـرای اینکه در جشـنواره تئاتر به هنرمندان پیام بدهند، هنرمندان تئاترند کـه در عمل و ادب و اندیشـه، دغدغه فرهنگ و هنـر دارند؛ برهمین‌اسـاس، امسـال از دکتـر علی رفیعی، کارگردان و پژوهشگر تئاتر ایران، خواستم به جشنواره پیام بدهند. ایشان بر من منت گذاشتند؛ افتخاری که به آن خواهیم بالید.

تاکنون رسـم بود که فقط مسئولان وزارتخانه ارشـاد برای جشنواره‌ها پیام بنویسـند و برای نخسـتین‌بار همسو با جشـنواره‌های جهانی، یک هنرمند طراز اول ایرانی چنین مهمی را عهده‌دار شده اسـت و پیام دکتر علی رفیعی برای سی‌وششـمین دوره جشـنواره بین‌المللی تئاتر فجر این‌گونه اسـت: تمام جوامـع زنده و پویا در چارچوب سیاسـت‌های توسـعه خود، برای آشنایی و شـناخت آثار ارزشمند جهان و شـکل‌های نوین اجرائی هنرهای نمایشـی اهمیت و اعتبار بسزایی قائل‌اند. این آثار و شکل‌های نوین اجرائی هیچ‌گاه به طبقه و قشـر خاصی محدود نمی‌شـوند. مهم‌ترین راز مانـدگاری و جاودانه‌بودن آثـار متعلق بـه اعصار طلایـی تئاتر در این اسـت کـه نه به قشـر خاصی محـدود می‌شـوند و نه به طبقه‌ای خاص. تئاتری که مـکان تقابل و رودررویی افکار و اندیشـه‌های عصر و زمانه‌اش نباشد، تئاتری که از ارائـه و معرفی عصر خود روی‌گردان باشـد و نخواهـد یا نتوانـد بازتاب اندیشـه‌های عصر خود و شـیوه زندگی جامعه و فرهنگ خود باشـد و ترجیح دهد به سـنت‌ها و گذشـته رو آورد، بهتر اسـت نام خود را موزه بگذارد.در دنیایی که سـینما، تلویزیون، ماهواره، مجلات و نشـریات و اینترنـت همه‌جا را پر کرده اسـت، خواهی‌نخواهی برای انسان‌های امروز نحوه نگاه و بیان تازه به وجود آورده اسـت. بنابراین، طبیعی اسـت که تئاتر نیز ناگزیر باشـد در برابر همه این پدیده‌ها، شـکل‌های بیانی نوینی را جست‌وجو و کشف کند.

تئاتـر نوین امـروز جهان ناگزیر اسـت شـاهد و شهادت‌دهنده تضادهای جامعه امروزش باشد. تئاتر قرن بیستم و بیسـت‌ویکم، با دراختیارگرفتن سبک‌ها و شـیوه‌های اجرائی و زیبایی‌شناسـی‌های گوناگون، ناگزیر است گاهی بازتاب مبارزات سیاسی- اجتماعی باشد، گاهی بیانگر اضطرابات بشر در مقابل رویدادها و اتفاقات و گاهـی مطرح‌کننده پرسـش‌های مردم جامعـه. وقتی از تئاتر معاصر حـرف می‌زنیم، الزاما به آثار مکتوب نمایش‌نامه‌نویسـان این قرن محدود نمی‌شود. حتی اگر نمایش‌نامه‌های متعلق به اعصار گذشته به صحنه آیند، برخورد، تحلیل و نحوه اجرای کارگردان و گروه بازیگران از آن آثار باید در جهت ارائه یا لااقل اشاره به مسـائل روز جامعه باشد. تئاتر هنر گفت‌وگو است، اما نه به مفهوم گفت‌وگوی صحنه‌ای میان بازیگران؛ بلکه گفت‌وگوی هنرمند با جامعه‌ای کـه در آن زیسـت می‌کند. یکی از مهم‌ترین مسـائل تئاتر در عصر معاصر، جسـت‌وجو و خلق شیوه‌های نوینی اسـت که به یاری آنها بتوانـد با واقعیت‌های پیرامونش ارتباط برقرار کند. اولین پرسشـی که برای هرکس می‌تواند مطرح شود این است که برای ایجاد این ارتباط، در شـرایطی که رسـانه‌های دیگر رقبای سرسختی به‌شـمار می‌آیند، چه شیوه‌ها و ترفندها و چه نـوع ابزارهای بیانی نوینی می‌تواند خلق و ابداع کنـد تا هم خطری او را تهدیـد نکند و هم جایگاهی مناسـب برای خود داشـته باشـد. خلاقیـت هنری (خلاقیت هنری واقعی) امری به‌غایت شکننده است. هنرمند با اثر تازه‌ای که در حال خلق‌کردن اسـت، از آغاز تا انتهای خلق اثرش، دائم در بیم و امید به‌سـر می‌برد و مسـتمرا با این پرسـش مواجه است که آیا اثرش موفق خواهد شـد یا نخواهد شـد؟ در چنین شرایطی، هنرمند قادر نیسـت به‌تنهایی از خود دفاع کند. اینجاسـت که نیاز دارد مورد حمایت قرار گیرد. نخست باید به‌لحاظ مالی مورد حمایت قرار گیرد. در کشورهای پیشرفته، مسـئولان فرهنگی آگاه و دلسوز به‌خوبی می‌دانند که تنها نیاز هنرمندان نیاز مالی نیسـت. چه‌بسا به‌لحاظ مالی، بی‌نیاز هم باشـند. اما جدا از نیاز مالی، هنرمند همـواره با موانع دیگری روبه‌رو اسـت کـه بزرگ‌ترین آنهـا عادت‌هایی است که در بینش و اندیشه مردم وجود دارد و همچون هیولایی بر سـر راه ارائه اثر هنرمند به آنها وجود دارد. هر رویداد تازه فرهنگی- هنری، هر نوآوری در این زمینه، به‌ویژه وقتی، در هنری به‌شـدت اجتماعی مثل تئاتر باشـد، واکنش‌هایی مثل غافلگیری، «شوکه»کردن و مقاومت در پذیرفتـن را بـه دنبـال خـود دارد. اجراهـای آثار بکت و یونسـکو در آغاز دهه ۱۹۵۰ مثال بارزی دراین‌باره اسـت. در کشـورهای دموکراتیـک که دولت و نهادهـای تخصصی طرفدار و مشـوق آزادی هنرمند هستند، از یک‌سو حمایت از هنرمنـد و خلاقیت هنـری او را مورد حمایت قرار می‌دهند، حق تجربه‌کردن و حق ارتکاب اشتباه را از جانب هنرمند می‌پذیرنـد و او را آزاد می‌گذارنـد تا به جسـت‌وجوها، کوشـش‌ها و اکتشافات خود ادامه دهد. از سـوی دیگـر، همه‌گونه امکانات مادی و مالی در اختیارش می‌گذارند تا به شـکوفایی برسد. جالب اینکه عجله به خرج نمی‌دهند تا اثر این هنرمند خلاق و جست‌وجوگر را بلافاصله در معرض داوری مردم بگذارند. به عبارت دیگر، سـعی می‌کنند تا اثر خلق‌شـده از قضاوت خام و عجولانه تماشـاگر فعـلا مصون باقـی بمانـد. اولین دل‌مشـغولی هر هنرمند، طی روند فعالیت خلاقانه‌اش، تأثیری اسـت که اثرش بر مخاطبین خود خواهد داشـت. تعداد و تعلقات مخاطبینی است که جذب آن اثر می‌شوند و، بالاخره، پاسخی است که از آنها دریافت خواهد کرد. هنرمندی که خود را بی‌نیاز از این واکنش‌ها از جانب بینندگان، شـنوندگان، خوانندەها یا مصرف‌کننده‌های اثر خـود بداند، جز در خلأ و برای خلأ کاری نمی‌کند. خلاقیتش، دیر یا زود عقیم خواهد شد.

مهم‌تریـن وظیفه تئاتر ایجاد شـعف بازیگری در بازیگر، شـعف کارگردانـی در کارگـردان و بالاخره، شعف تماشـاکردن در تماشاگر اسـت. این عرصه‌ها فراهم نمی‌شوند مگر با حضور مدیران آگاه و مدبر.

جشنواره سی‌وششم

بررسی نمایش‌های روز یکم

کارهای تأمل‌برانگیز

رضا آشفته

• روز یکم جشـنواره تمامی کارهـا درخور تأمل بود و ایـن رویه اگر در روزهای بعد هم تکرار شـود، حتما جشـنواره به آن انتظارات مدنظر دامن خواهد زد. در ادامه برخی از این آثار را بررسـی می‌کنیم: **دایره گچی قفقازی:** محمودرضا رحیمی، کارگردان موقعیت‌های سخت و ناشناخته است و این‌بار هم در شرایط بغرنج یـک نمایش موزیکال و متفـاوت را از دل متن برتولد برشـت بیرون آورده؛ به این امید کـه مخاطب امروز را برخوردار از زبان و بیان تازه‌تری نسـبت به آنچه ما در ایـران آزموده‌ایم، ارائه کند. ایـن روحیه نوآورانه و طراوت‌پیشـگی‌ها در هنر همیشه لازم و ضروری بوده است وگرنه تثبیت کلیشـه و تداوم کهنگی‌ها مانع از لـذت آنی و ته‌نشین‌شـدن ملاحظات عینی از سـوی نمایش‌هـا در پس ذهن مخاطب خواهد شـد. دایره گچی قفقـازی با بیان بدنی و برخـورداری از حرکات موزون بر آن اسـت که به‌گونـه‌ای دلالت‌های نابرابر و حاکـم بر جنگ و روابط زناشـویی و حتی مادرانگی را به چالش بکشـد و این گروه بر آن است که با تکیه بر فرهنگ قفقازی و گرجـی بتواند یک مواجهه نوین را ارائه کنـد و از رقص‌های بومـی و لباس و فرهنگ گرجستان و به‌علاوه آن، حتی نیم‌نگاهی نیز به فرهنگ ایرانی و گوشه‌چشمی نیز به موسیقی و رقص مدرن و غربی بیندازد و از این تلفیق‌ها و ملاحظات نوین بتواند اثـر درخورتأمل‌تری را ارائه کنـد. **کوررنگی:** کوررنگی، نوشـته و کار سـیاوش پاکراه، نمایش درگیری فرم با محتواست و از این قاعده پیروی می‌کند که فرمی نوین داشـته باشد و بتواند محتوایی درخورتأمل و برآمده از روزگارش را در صحنه بنمایاند. این دوسویگی و داشتن ظرف و مظروف می‌تواند در کل رضایت‌بخش باشد و دقیقـا در جامعه ایرانی که هر دو زمینه را به ضرورت نیازهای مطلوب و آرمانی‌اش نیازمند هست، می‌تواند خود یک ضرورت الزامی تلقی شود. شاید تنها نکته‌ای که می‌تواند بر زیبایی پایانی کوررنگی بیفزاید این است که می‌دانیم، کوررنگی هیچ درمانی ندارد؛ یعنی اینکه زن لباس‌های مرد را به رنگ دیگری می‌بیند؛ یعنی این نگاه عوضی‌دیدن قابل تغییر نیسـت و اگر زن صاحب قدرت و رئیس‌جمهور شـود، معلوم نیسـت که چه بلایی بر سـر مرد برخلاف میل و تصوراتش بیاورد که انتظـار دارد زن به او قدرت و ثروت بیشـتر بدهد و بر موقعیـت کاری‌اش بیفزایـد! **دودلک‌ونصفـی:** این نمایش نوشته و کار جلال تهرانی، کاری زیبایی‌شناسانه و هنرمندانه اسـت. او نمی‌خواهد مقاله‌ای ارائه کند، بلکه بر آن اسـت که در همین فضـای انتزاعی نقبی هم بر درون مخاطبانش زده شود. بخشی از این مورد در جریان بازی اتفاق می‌افتد؛ شـیوه‌ای که از سال ۸۳ و به شـکل مقطع‌خوانـی بازیگـران را وامی‌دارد که طور دیگری دیالـوگ بگویند؛ دیالوگ‌هایی که انگار در فازی غیرمعمول بین آدم‌های نمایش‌هایش ردوبدل می‌شـود. آدم‌ها مدام پرسشگرند و پاسخی هم انگار ندارند، مگر پاسخی که خودش پرسشی دیگر است و در این ردوبدل‌شدن پرسش‌ها انگار کلیت نظام هستی زیر پرسش حقیقی و بنیادین می‌رود، اما از سوی دیگر فضایی مجـازی و غیرواقعی شـکل می‌گیرد که گویا هدفـش مواجهـه آدم‌ها برای همین طرح پرسـش است؛ پرسش‌هایی که بی‌پاسخ می‌مانند، اما به‌سادگی فضاسـازند. این فضـا به‌راحتی خـودش تلقینگر آن چیزی اسـت که بشـود بـاورش کرد و حتـی گاهی فراتر از این حرف‌ها بشـود با آن بـا رویکردی نزدیک به یقین زندگی کرد؛ یعنی تحـول و دگرگونی بنیادین در مخاطـب اتفاق بیفتـد. هدف هم همین اسـت. **پسران تاریخ:** پسـران تاریخ، نوشته الن بنت انگلیسی و کار اشـکان خیل‌نژاد، نمایشـی در نقد مدرنیسـم و این دقیقا همان مسـیری است که وضعیت پسامدرن محق آن است و می‌خواهد که این‌گونه متلاشی‌شدن و تخریبگـری انسـان مدرن را به چالش بکشـد و به این منظور به سـراغ مدرسـه می‌رود که سرآغاز تفکر مدرن باید تلقی شود که در آن علم و روشنگری مورد هدف اسـت و اتـکای دوران پس از رنسـانس هم از دل‌کندن از کلیسا و سـوق‌یافتن به مدرسه و دانشگاه و انسـان‌محوری از همین‌جاسـت و باید دید که چه نکاتی مانع از رشـد قابل‌اعتنا خواهد شـد یا نیروهای بازدارنـده انسـان و روحیه تخریبگـری در کجای این مدرنیته می‌تواند اجماع کرده باشد. **فعل:** فعل، نوشته و کار محمد رضایی‌راد، نمایش نسبت‌های برهم‌ریخته است؛ یعنی در آن هیچ چیزی از روابط منطقی پیروی نمی‌کند. آدم‌هایی کـه نمی‌خواهند طبق روال عادی و متعارف زندگی کنند، یعنی هنجارشکنی می‌کنند از فعل و رفتار شخصی‌شان و در تدارک آشنایی‌زدایی از همه آن چیزهایی هستند که می‌توانند قابل‌پیش‌بینی باشـند. فعل درواقع نمایشی است که به‌لحاظ متن و اجرا ضمن استوارشدن بر چارچوب‌های شناخته‌شده، به‌تدریـج به‌دنبـال ازبین‌بـردن ایـن مـوارد و ایجاد کنش‌های متفاوت و درواقع ایجاد یک الگوی نوآورانه و غیرقابل پیش‌بینی است.

نمایشگاه گروهی شاگردان استاد ایرج شافعی (به مناسبت سی‌امین سالگرد تاسیس آتلیه نقاشی)

پایانِ این سالِ سی

علی سعادتمند: ایرج شافعی، اسـتادی که بیش از سی سـال، شـب و روز زندگی اش را با هنر نقاشی گذراند، در روز بیسـت و دوم دی ماه هزار و سـیصد و نود و شـش خورشیدی، پس از گذشت سالها از تاسیس آتلیه نقاشی شـخصی اش، مجموعه ای از نقاشـی های منتخب نود نفـر از هنرجویان خود را در کنار آثار خودش بر روی دیوار گالری <<زمان هنر>> برد. شـافعی که در طی تمام این سـالها علاوه بر خلق آثار هنری و شـرکت در نمایشگاه ها ی متعدد گروهی و انفرادی در ایران و چندین کشـور خارجی، در آتلیه خود مشغول به آموزش تکنیک نقاشی به شـاگردان خود بود، امروز خسـتگی این سی سال را از تن خـود به در برد، او حدود نود نفـر از صدها هنرجوی آتلیه اش از قدیم تا به امروز را انتخاب کرد و نمایشگاهی با اسـتقبالی کم نظیر برای آنها برگزار کرد. این نمایشگاه، با بازتابی مواجه شـد که شاید تا سـالهای دور از این هم برای شـاگردانش ممکن نمی شد. شافعی با این حرکت، نه تنها نقاشی‌های خاک خورده ی شاگردان قدیمش را از لای کاغذهای بایگانی شـده بیرون کشید و بر دیوار گالری آویخت تا دوباره دیده شوند، بلکه آغازگر راهی طول و دراز هم در پیش پای شـاگردان تازه کار خود شـد و آنها را در مسیری بی انتها انداخت به عزم یافتن آنچه که در آینده‌ی این هنر به دنبال آن هستند.یکی از نکات مهم نمایشگاه، قرار گرفتن آثاری از خود شافعی است در کنار شاگردانش، او با بزرگواری بسیار، هنرجویانش را در رده ای می بیند که نام و اثرشان در کنار او قرار داشته باشد، کاری که به جرات می توان گفت، کمتر اسـتادی با چنین تجربه و سابقه ای انجام می دهد. شافعی، استادی است که تنها به آموزش طراحی و رنگ شناسی و تکنیک به شاگردانش اکتفا نکرد، او تمامی دانش و تجربه و حتی تا حدودی سبک و سیاق کار خـود را نیز در اختیار هنرجویانش قرار داد و پا به پای آنها تلاش کرد تا اینکه هریک از آثار نمایشـگاه سی امین سـال تاسیس آتلیه ی نقاشـی اش به سر انجام رسید و بـه نمایش درآمد. گالـری <<زمان هنـر>>، در برگزاری نمایشـگاهی با این حجم بازدید کننده در روز افتتاحیه به شـدت با تجربه عمل کرد، چیدمان خوب و تفکیک شده نمایشگاه بماند، مهمترین بها و فرصتی است که شافعی به عنوان استاد، با استفاده از نام و سابقه ی خود در اختیار شـاگردانش قرار داده تا نه تنها آثارشـان به یک نمایش عمومی موفق در بیاید بلکه بتوانند برخوردی مسـتقیم بـا بیننده ی عام آثـار هنری امروز در گالـری های تهران داشته باشـند و کار خود را محک بزنند.ایرج شافعی، که لقب استادی را از استاد قدیمی خودش "آیدین آغداشلو" دریافت کرده و به دوش می کشد، نقش مهمی در پرورش دادن نقاشـان زیادی در این سالهای اخیر دارد، او بیش از اینکه در خلق آثارش فعالیت داشـته باشـد، در این سی سال، بیشـتر وقتش را به آموزش دادن طراحی و نقاشی در سـبک ها و تکنیک های مختلف و تاریخ و مبانی هنر به شاگردانش حتی به خردسالان صرف کرده، که آثارشان در این نمایشـگاه گروهی نقاشـی به شـدت مورد توجه بسـیاری از بازدیدکنندگان قرار گرفت. این حرکت تیمی و این نمایشـگاه گروهی شاید در نوع خود کم سابقه باشد، جشنی به مناسبت سالهای فعالیت یک آتلیه نقاشی که همه ی نسـل های دوره دیده در طی این سال ها به طور جدی در آن سهیم هستن و حضور دارند و بخش مهمی از این حرکت محسوب می شوند.

اینکه شـافعی در این سـی سـال چقدر موفـق بوده یا نبوده ابدا مسئله ی این نمایشـگاه نیست، این نمایشگاه گروهی، کاملا مسـتقل از هر تیتر یا عنوانی عمل می کند. استاد و شـاگردانش همه گی در یک تیم به رهبری ایرج شافعی، سی سالگی تاسـیس آتلیه نقاشی را جشن می گیرند و سـعی در بهترین بودن دارند، اینکه به هدفشـان رسـیدند یا نه، دیگر به بازدید کنندگان نمایشگاه بستگی دارد که نشـان دهند تا چه حد، تیـم میزبان موفق بوده اسـت یا نه.نمایشگاهی که به مناسـبت سی امین سال تاسیس آتلیه ی نقاشـی ایرج شافعی به کوشش گالری <<زمان هنر>> برگزار شد تا روز چهارشنبه، چهارم بهمن مـاه نود و شـش همچنان ادامـه دارد و مطمئنا بازدید بیشتری نسـبت به روزهای آغازین، از این مجموعه بزرگ با بیش از نود تابلوی آویخته بر دیوار انجام خواهد شد.

دی ماه نود و شش

عکس: مسل بیگدلی

برای آثاری در حدود نود تابلوی (نقاشـی) و (چیدمان) که تمام اتاق ها و فضای نگارخانه و حتی دفتر کار گالری را نیز در بر گرفته، به دقت و ظرافت تمام انجام شـده که ماحصل ایـن همه تلاش و همچنیـن تبلیغات خوب و درسـت و به جا، و همچنین چاپ بروشوری از تمامی آثار نصب شده در گالری، نمایشگاهی سرپا و پرقدرت شد که درخور سی سال سابقه و کار بی وقفه ی ایرج شافعی بود. استقبال پر شور و حال از نمایشگاه در روز افتتاحیه، حضور استاد در کنار شاگردانش و همچنین توجه ای که از طرف گالری به آثار هنرجویان منتخب شـافعی شده، می تواند بالاترین امید را برای شـاگردان آتلیه در پی داشـته باشد، و هنرجویـان را تا حدی با فضای نمایشـگاه و جامعه‌ی هنری این روزهای ایران آشـنا می‌کند، چـرا که این گرده همایی با همان دقتی انجـام گرفته که آثار، انتخاب و به نمایش درآمدند. انجام چنین کاری در زمانی که برگزاری نمایشگاه برای هنرجویان گمنام یا تازه کار رهی طولانی و بی سـرانجام در پی دارد و در نهایت، تابلوهایشان پشت درهای بسته ی گالری ها، شاید حتی در صف انتظار وقت

هنرجویان نمایشگاه

۱.تارا آل بویه
۲.اعظم ابراهیمی
۳.مهرناز اثنی عشری
۴.پرستو اردکانی
۵.سوگل اسدی
۶.شهرزاد اسفندیاری
۷.شیلا اشراقی
۸.رایا امیری
۹.فهیمه امیری
۱۰.مژگان امیر فروغی
۱۱.مهشید امیر فروغی
۱۲.پرنیان انصاری
۱۳.امیر علی ایازخو
۱۴.کیان ایازخو
۱۵.فرنوش ایرانشاد
۱۶.ساناز ایوبی
۱۷.مریم برداری
۱۸.نغمه بنی آدم
۱۹.گلناز بهفر
۲۰.نگین پور حسنی
۲۱.ملوس تقی زاده
۲۲.نسرین تقوی
۲۳.سونیا تنباکوچی
۲۴.آزاده توحیدی
۲۵.پریا توکلی
۲۶.فریبا حسن زاده
۲۷.شبنم خورسندی
۲۸.شکوفه خورسندی
۲۹.ترانه خیاط پور
۳۰.سارا دانشیان
۳۱.شادی درویشیان
۳۲.بنفشه رحیمی
۳۳.دیبا رستمیان
۳۴.لیلا روشنایی فر
۳۵.هانا ساوجبلاغی
۳۶.مهناز سعادتمند
۳۷.اکرم سلیمی
۳۸.شیرین سمیع فنی
۳۹.نیلرام سمیعی
۴۰.نینا سمیعی
۴۱.اردشیر سیحون
۴۲.ارسلان سیحون
۴۳.سعید شافعی
۴۴.سارا شجیعی
۴۵.فیروزه شرفی
۴۶.مریم شیشه گر
۴۷.هلن صدقیانی
۴۸.ادنا صفری
۴۹.فرزانه طهرانی
۵۰.بنیامین ضابطیان
۵۱.یاسمین ضابطیان
۵۲.نفیسه عبدالحسین
۵۳.صبا عروجی
۵۴.منا عروجی
۵۵.ساناز عظیم زاده
۵۶.عسل علاقبند
۵۷.فیروزه علی احمدی
۵۸.دریا علی یار
۵۹.کوین علیار
۶۰.مهرناز فرهمند
۶۱.حلیما فیضی
۶۲.غزاله قاسمیان
۶۳.لیلا قدکی
۶۴.وحید کوچک زاده یزدی
۶۵.الناز گلپایگانی
۶۶.آپامه گلکار
۶۷.آمیتیس گلکار
۶۸.پانته آ ماهرو
۶۹.فرناز مستوفی
۷۰.فریبا مصطفوی
۷۱.ژیلا مصلحی
۷۲.ژوان معروفی
۷۳.نگار مقدم
۷۴.مریم مقصود پیشه
۷۵.نیلوفر ملک زاده
۷۶.مهدی موحدی پور
۷۷.محسن موسوی
۷۸.بهاره مهرام فر
۷۹.هاله نایب
۸۰.فیروزه نظری
۸۱.پریزاد نمازیان
۸۲.مونا وفایی پور
۸۳.عسل ولی سلطانی
۸۴.مهوند یراقچی
۸۵.زهرا یوسفی زادگان
۸۶.سارا یوسفی فر
۸۷.سمیرا یوسفیان

گفت‌وگو با پویا بادکوبه به بهانه حضور در جشنواره فیلم برلین

به حضور «درساژ» در عرصه‌های جهانی خوش‌بینم

بهناز شـیربانی: سینمای ایـران حضـور پررنگـی در شصت‌وهشـتمین جشنواره فیلم برلین دارد؛ «خوک»، تازه‌ترین ساخته مانـی حقیقـی، در ایـن رویداد هنری حضور دارد. مانـی حقیقی در سـال ۱۳۹۴ نیز بـا فیلم «اژدها وارد می‌شود!»، در بخش مسابقه برلین حضور داشت. او در سال ۱۳۸۴ با فیلم «کارگران مشغول کارند» و در سـال ۱۳۹۰ نیز با فیلم «پذیرایی سـاده» در این رویداد حاضـر بوده اسـت. از طـرف دیگر، فیلـم «هندی و هرمز» به کارگردانی عباس امینی نیز به بخش «نسل» شصت‌وهشـتمین جشـنواره فیلم برلین راه یافت. این فیلم به همراه فیلم «درساژ» به کارگردانی پویا بادکوبه، دو نماینده سـینمای ایران در بخش «نسل» جشنواره برلین هستند. بخشی که مخصوص به فیلم‌هایی برای نوجوانان بالای ۱۴ سال است. عباس امینی نیز پیش از این با اولین سـاخته‌اش، «والدراما»، در بخش «نسل» شصت‌وششـمین دوره جشـنواره فیلم برلین حضور داشته و این دومین تجربه حضور او در این رویداد مهم سینمایی است. «درساژ» اولین فیلم بلند سینمایی پویا بادکوبه به تهیه‌کنندگی روح‌الله برادری و سمیرا برادری است که مدتی قبل برای حضور در جشنواره فیلم فجر اعـلام آمادگی کـرد؛ اما در نهایت در فهرسـت نهایی فیلم‌های حاضر در جشـنواره انتخاب نشد و نخستین نمایش خود را در جشـنواره فیلم برلین تجربه خواهد کرد. در این فیلم، علی مصفا، شـبنم مقدمی، هوشنگ توکلـی، علیرضا ثانی‌فـر، علیرضا آقاخانی، سـیامک ادیب، جلال فاطمی، لویی سـیفی، بسنا میرطهماسب، باسط رضایی، به‌آفرید غفاریان، شایان فصیح‌زاده، رامبد مطلبی و معرفی نگار مقـدم ایفای نقش می‌کنند. به بهانه حضور «درساژ» در جشنواره برلین، با پویا بادکوبه گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

↙ «درسـاژ» در فهرسـت نهایی هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر انتخاب نشـد؛ اما در فاصله‌ای کوتاه در فسـتیوال فیلم برلین پذیرفته شد که این قطعا برای فیلم‌سـازی که نخستین تجربه ساخت فیلم بلندش را پشـت سر گذاشـته، اتفاق مهمی است. پیش از حضور در فسـتیوال‌های دنیا، تا چه اندازه دیده‌شدن در جشـنواره فیلم فجر برای شما اهمیت داشت؟

قطعـا از اینکه «درسـاژ» در جشـنواره فیلم فجر پذیرفته نشـد، ناراحتم. این جشـنواره از قدیمی‌ترین و معتبرترین جشـنواره‌های کشور است و مخاطب برای نخسـتین‌بار فیلم را در جشنواره می‌بیند. از اینکه فیلم در فجـر پذیرفته نشـد و به برلین رفت، خوشحال نیسـتم. جشـنواره برلین جشـنواره‌ای جهانـی اسـت و بالطبع استراتژی خـاص خـودش را دارد و متأسـفم کـه هیئـت انتخـاب جشـنواره فیلم فجر، «درسـاژ» را دوست نداشته است. به‌هرحال این فیلم اولویت هیئت انتخاب نبوده است؛ شاید نقدم به جشنواره فیلم فجر نیز از نظر بی‌ثباتی این جشنواره است.

↙ این بی‌ثباتی را در چه می‌بینید؟

جشنواره‌ای که شرایط و قوانین باثباتی دارد، شرایط آن در طـول زمان حفظ می‌شـود. رابطه فیلم‌سـاز با جشـنواره نیز رابطه‌ای دوطرفه است و ضلع سوم این اتفاق، مخاطبان هستند. رشد با سیاست متغیر صورت نمی‌گیـرد. نمی‌خواهم اصل تغییر را زیر سـؤال ببرم، بلکه نقد من به تغییرات بی‌ثبات اسـت. سیاست‌های جشـنواره فیلم فجر نمی‌تواند درسـت و دقیق باشد. دربـاره فیلـم خودم صحبـت می‌کنم که بر اسـاس یک دغدغه سـاخته شـد؛ چراکه بخش مهم و بیشتر جامعه ما قشر نوجوان و جوان هستند. باید به این فکر کرد تا چه حد این قشـر سـینما می‌روند و نیازهایشان چیسـت. وقتی جشـنواره فیلم فجر فقط ۲۲ فیلم را انتخاب می‌کند، اینکه اساسا چه اندازه به فیلم‌اولی‌ها شانس حضور داده می‌شـود، مسئله دیگری می‌شود؛ فیلم‌سازان اول که با مخاطب حرف جدیدتری دارند و در کل حضور فیلم‌های آنها در جشـنواره‌ای مثل فجر می‌توانـد به نفع اتفاق‌های فرهنگی جامعه باشـد. از این نظر، از تغییرات امسال جشنواره به‌عنوان تغییراتی کـه چندان مؤثر نیسـتند، صحبت می‌کنـم. قصد من از سـاخت این فیلـم پرداختن به نوجوانـان و جوانان جامعه‌ام بود و آسـیب‌هایی که در این فیلم بررسـی می‌شـوند، می‌توانند آگاهی‌دهنده باشـند و بالطبع از ایـن جهت نگاه هیئت انتخاب و نوع پذیرش فیلم‌ها تا حدودی برایم سؤال‌برانگیز بود.

↙ جشنواره فیلم برلین نخستین حضور جهانی این فیلم و مواجه‌شـدنش با مخاطب بین‌المللی است. فکر می‌کنید تا چه حـد می‌تواند در ارتباط‌گرفتن با مخاطب خارجی موفق عمل کند؟

تصـور می‌کنم موضـوع فیلم جهانی اسـت. نوع پرداخـت، قصـه و فضایی کـه فیلم در آن سـاخته شده اسـت، به نظرم به گونه‌ای اسـت که می‌تواند با مخاطـب جهانی ارتباط برقرار کند. فـارغ از اینکه این فیلم نخستین تجربه سـاخت فیلم بلند من است، به حضورش در عرصه‌های جهانی خوش‌بینم.

توضیح و تصحیح

در گفت‌وگویی که در روز چهارشـنبه، ۲۷ دی، با علی ژکان صورت گرفت، در بخشی از مصاحبه به‌جای کلمه تیم اعضای هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر، به‌اشـتباه تیم اعضـای هیئت انتخاب آمده است که به‌این‌ترتیب اصلاح می‌شود.